

ما می‌گوییم:

۱. ماحصل فرمایش حضرت امام (که از متفردات برجسته ایشان است) آن است که:

- ۱) امارات هیچ کدام جعل شرعی ندارند.
- ۲) امارات، دارای حجیت عقلایی‌اند.
- ۳) عقلا، امارات را به عنوان حجت جعل نکرده‌اند.
- ۴) عمل به این امارات برای عقلا یک رویه است
- ۵) یعنی عقلا ظن یا مظنون را جایگزین قطع یا مقطوع نمی‌کنند بلکه مستقلاً حکم به عمل به مظنون می‌کنند
- ۶) پس اصلاً بحث جایگزینی مطرح نیست
- ۷) پس حجیت عقلایی امارات، نه جایگزینی ظن به جای قطع است و نه جایگزینی مظنون به جای مقطوع.
- ۸) و لذا اصلاً امارات نه جایگزین قطع طریقی می‌شوند و نه جایگزین قطع موضوعی.



۲. آنچه ایشان تحت عنوان «و العجب» از محقق نائینی نقل کرده‌اند، در تقریرات کلام حضرت امام به صورت مفصل‌تری مطرح شده است.

مطابق تقریر تهذیب الاصول، حضرت امام کلام مرحوم نائینی را چنین مطرح کرده‌اند:

«و حاصله: أنّ فی القطع یجتمع جهات ثلاث: جهة كونه قائمة بنفس العالم؛ من حيث إنشاء النفس فی صقعها الداخلى صورة على طبق ذی الصورة، وجهة كشفه عن المعلوم، و إراءته للواقع، وجهة البناء و الجری العملی على وفق العلم. و المجعل فی باب الطرق هی الجهة الثانية؛ فإنّ المجعل فیها نفس الطریقیة و المحرزیه و الكاشفیة، و فی الأصول هی الجهة الثالثة.»^۱

توضیح:

- ۱- قطع سه جهت و خاصیت دارد:
 - ۲- (یک) قائم به نفس قاطع است (صورت ذهنیه)،
(دو) کاشف تام از معلوم (عالم عین) است،
(سه) باید مطابق آن در مقام عمل رفتار کرد.
 - ۳- امارات جایگزین حیثیت دوم قطع می‌شوند و اصول عملیه جایگزین حیثیت سوم قطع می‌شوند.
 ۳. حضرت امام سپس پاسخ می‌دهند:
- «أنّك قد عرفت و سیمرّ تفصیله عند البحث عن حجّة الأخبار: أنّه ليس عن جعل الحجّة و الطریقیة و تتمیم الكشف فی الأخبار و الآیات خبر و لا أثر، و أنّ العمل بالأخبار كان أمراً مسلماً منذ قرون قبل الإسلام، منذ قام للإنسانية عمود التمدّن، و أنّ الشارع الصّادع بالحقّ ترك أتباعه على ما كانوا علیه»^۲

۴. حضرت امام سپس به «قیام اصول عملیه به جای قطع» اشاره کرده و می‌نویسند:
- «و أمّا الأصول فهی على قسمین: أحدهما: ما يظهر من أدلّتها أنّها وظائف مقرّرة للجاهل عند تحرّره و جهله بالواقع كأصالة الطهارة و الحلیة، فهذه الأصول ليست مورد البحث، فإنّ قیامها مقامه ممّا لا معنی له. و ثانيهما: ما یسمّونها بالأصول التنزیلیّة، مثل الاستصحاب و قاعدة التجاوز و الفراغ، و لا بدّ لنا من تحقیق حالها و إن كان خارجاً عن محلّ البحث و له مقام آخر، لكن تحقیق المقام يتوقّف على تحقیق حالها، فنقول: قد عرفت: أنّه لا بدّ فی كون شیء أمانة

^۱ . تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۳۳۴

^۲ . همان



شرعیّة جعلیّة أن يكون له جهة كشف، و أن لا يكون أمانة عقلائیّة معتبرة عند العقلاء، و أن تكون العناية فی الجعل إلى جهة کاشفیّته و طریقّته.^۱

توضیح:

۱. قسم اول اصول، آن دسته از اصول عملیه است که وظیفه جاهل را در حال جهل معلوم می‌کند. و روشن است که اصلاً این اصول، نمی‌تواند جایگزین قطع شود چرا که، فرض این اصول، عدم علم است.
۲. قسم دوم، اصول تنزیلی هستند مثل استصحاب و قاعده فراغ و تجاوز
۳. گفته‌ایم که برای اینکه یک شیء به عنوان اماره شرعی جعل شود، باید سه شرط داشته باشد.

ما می‌گوییم:

۱. مرحوم امام در ادامه ضمن بحثی مفصل، ثابت می‌کنند که استصحاب یک اماره شرعیّه مجعوله است و می‌نویسند:

«إذا عرفت ذلك فاعلم: أن الاستصحاب فيه جهة كشف عن الواقع فإنّ القطع بالحالة السابقة فيه كاشفیّة عن البقاء، حتّى قيل: ما ثبت يدوم، و هذا فی الشكّ فی الرافع ممّا لا مجال للتأمّل فيه. نعم فی الشكّ فی المقتضى يمكن التردد و التأمّل فيه و إن كان قابلاً للدفع. و بالجملة: أن الاستصحاب مطلقاً قابل لأن يجعل أمانة و كاشفاً عن الواقع بملاحظة اليقين السابق، و ليس من قبيل الشكّ المحض الغير القابل. و أمّا بناء العقلاء على العمل بالاستصحاب – أى بمجرد كون شیء له حالة سابقة مقطوعة مع الشكّ فی بقائه – فهو و إن ادّعى فيه السيرة العقلائیّة فی سیاساتهم و مراسلاتهم و معاملاتهم، لكن عملهم على مجرد ذلك غیر معلوم، بل يمكن أن يكون ذلك بواسطة احتفافه بأمور أخرى من القرائن و الشواهد و الاطمئنان و الوثوق، لا لمجرد القطع بالحالة السابقة.»^۲

۲. ما حصل فرمایش ایشان آن است که استصحاب، دارای کاشفیت است و از طرفی یک اماره عقلائی هم نیست و لذا حجیت آن، مجعول از طرف شارع است.

۱. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۱۰۹

۲. همان، ص ۱۱۰

